

نشریه علمی- پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۴۸-۱۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۸/۲۹

سنجش تطبیقی ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان در بافت‌های جدید و قدیم شهری با استفاده از مدل AHP (نمونه موردی: محله حسینیه «قدیم» و کوی قائم «بافت جدید» شهر زنجان)

اسماعیل دویران^۱
جمیله توکلی‌نیا^۲
سعید غلامی^۳
مهرداد دانش‌دوست^۴

چکیده

امروزه به‌دنبال نارسایی و انتقادات وارده به روند برنامه‌ریزی شهری قبل از دهه ۱۹۵۰ (چون طرح‌های شهری کالبد محور) شاهد ورود و کاربست مفهوم مشارکت و برنامه‌ریزی مشارکتی در ادبیات برنامه‌ریزی، ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته و سپس نشر و نمو آن در کشورهای در حال توسعه می‌باشیم. آگاهی از ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان بافت‌های مختلف شهری برای تحقق برنامه‌ها و رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی امری ضروری است. از این رو شناخت ابعاد مختلف مشارکت و سنجش آن در محلات شهری منجر به درک درست تفاوت‌های موجود عناصر سیستم شهری (محلات شهری) شده و فرایند برنامه‌ریزی شهری را متناسب با تفاوت‌های موجود، نظام داده و عملیاتی می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کمی، در چارچوب مدل تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و تحلیل همبستگی سعی نموده است به مقایسه تطبیقی ظرفیت مشارکت مردم در بافت‌های فرسوده و جدید شهری با نمونه موردی محله حسینیه (بافت قدیم) و کوی قائم (بافت جدید) شهر زنجان بپردازد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با وجود مشکلات عدیده در بافت‌های فرسوده ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان آن در ارتقا محیط محل بالاتر از بافت‌های جدید است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی مشارکتی، تسهیل‌گری، بافت قدیم و جدید، فرایند تحلیل سلسله‌مراتب (AHP).

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران. Email:socialcapital2007@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی.

۳- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد زنجان.

۴- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد زنجان.

مقدمه

با اذعان به قدمت زیاد مشارکت و جستجوی ریشه‌های آن در دولت شهرهای یونان باستان، در عصر حاضر، پس از تحولات دوران نوزایی و گذر از سده‌های میانی همزمان با اهمیت یافتن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رای مساوی به همه و حق تشکیل کار گروه‌ها و انجمن‌های مدنی مجال ظهور یافت (اوست هویی زن، ۱۳۷۷: ۹۹) در واقع از دهه ۱۹۶۰ مشارکت مهم‌ترین مفهوم در پیوند بین رشته‌ها و بخش‌های مختلف علوم سیاسی، علوم محیطی، علوم اجتماعی، کشاورزی، مدیریت، معماری، جغرافیا و... در امر برنامه‌ریزی محسوب می‌شود (Sarnoff, 2000: 270). از نظر بانک جهانی مشارکت فرآیندی است که از طریق آن، بهره‌وران، کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابعی که با برنامه‌ریزی مرتبط است تقسیم می‌کنند^۵. مشارکت عبارت است از فرآیند و حق اساسی که طی آن مردم به صورت دسته جمعی و به‌طور عاقلانه، با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه‌های خاص و با پذیرش مسئولیت سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی داشته و با همیاری یکدیگر رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده براساس نیازهای واقعی در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها، به‌منظور تقویت هویت فردی و جمعی در جامعه تلاش می‌کنند (Forster, 1999: 206). همچنین از سوی دیگر مشارکت به تلاش سازمان یافته‌گروه‌ها و جنبش‌هایی باز می‌گردد که برای افزایش کنترل منابع و نهادهای تنظیم‌کننده در موقعیت‌های اجتماعی خاص فعالیت نموده و تاکنون چنین کنترلی بر امور نداشته‌اند. مشارکت در جوامع محلی فرآیند فعالی است که به موجب آن، گروه‌های بهره‌ور یا مراجعان، بر هدایت اجرای یک طرح توسعه با هدف افزایش رفاه و آسایش خود از لحاظ درآمد، رشد فردی، خوداتکایی یا دیگر ارزش‌هایی که برای آنان گرامی است، تأثیر می‌گذارند. این فرآیند، فرصت لازم را برای بروز ابتکار و توانمندی‌های محلی فراهم می‌کند. بدین معنی که افراد محلی اجازه می‌یابند تا در محیط‌های بازار با توجه به رقابت در حال رشد مشارکت کنند، زیرا تمرکز قدرت در دست چند نفر مشکلاتی را برای شهرهای کوچک و جوامع محلی بوجود خواهد آورد (کلیتون،

۱۳۸۶: ۲۱). بنابراین مشارکت در همه سطوح تصمیم‌گیری برای جلوگیری از انحصاری شدن تصمیم‌گیری و چیرگی گروه‌های دارای قدرت بسیار مهم و اساسی است (عبدی دانش‌پور، ۱۳۸۷: ۳۳۴). حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرآیندگرا با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی، قانون، توسعه پایدار و... را در آن دخیل کنیم، برنامه‌ریزی شهری مشارکتی خواهیم داشت (Forster, 1999: 206) از این رو ارزیابی ظرفیت مشارکت‌پذیری در سطح شهر می‌تواند نقش موثری در هدفمند کردن برنامه‌ریزی مشارکتی داشته باشد. بدیهی است که شهر به عناصر مختلف از جمله محلات شهری تقسیم شده و با توجه به تفاوت جغرافیایی عناصر شهری (چون محلات شهری) لزوم آشنایی با محلات شهری به‌عنوان بخشی از سیستم شهری و ارزیابی قابلیت مشارکت‌پذیری آنها جهت برنامه‌ریزی مشارکتی لازم و ضروری است. هدف این پژوهش شناخت تفاوت‌ها و ظرفیت‌های مشارکت‌پذیری ساکنان در بافت‌های جدید و قدیم شهری بوده که سعی بر آن دارد به شیوه کمی متغیری‌های مشارکت‌پذیری ساکنان را به‌صورت تطبیقی در بافت‌های ذکر شده مورد سنجش قرار دهد.

پیشینه تحقیق

در راستای کاربست مشارکت، کشورهای مختلف اقدام به پیاده کردن برنامه‌ریزی‌های مشارکت محور خود جهت ساماندهی محلات کرده‌اند.

از جمله کشورهای خارجی در این مورد می‌توان به دولت سنگال اشاره کرد. این کشور دارای ۲۵ درصد بافت فرسوده و سکونتگاه غیررسمی در مناطق شهری بوده است به همین جهت دولت سنگال در سال ۱۹۸۷ در طرحی با چهار مرحله با مشارکت مالی و فیزیکی و اجرایی جمعیت ساکن در این محلات و با هدف دستیابی به سرپناه مناسب از طریق توانمندسازی ساکنان کرد (علیخواه، ۱۳۸۳: ۱۲۰). در تجربه‌ای دیگر می‌توان به تجربه برونکس در نیویورک اشاره کرد در این محله ابتدا مدیریت شهری سعی داشت به پاکسازی ۳۰ قطعه زمین با شیوه زندگی نامتعارف بپردازد، این تصمیم مدیران منجر به خشم ساکنان گشت. مردم خشمگین دست به تشکیل گروهی زدند که نام آن را «ما می‌دانیم» گذاشتند.

این گروه با صحبت کردن با مردم به مخاطرات برنامه‌های مدیران شهری پرداختند. نتیجه زحمات این گروه برگزاری ۱۶۹ جلسه در یک سال با مردم محل بوده است. نتیجه این جلسات وبه مشارکت کشیدن مردم، دست نخوردن ۶۰ درصد وضعیت کالبدی محله و به توافق رسیدن در مورد چگونگی بهبود محله با مدیران شهری و مشارکت متعامل مدیران و مردم بود (آرمانشهر، ۱۳۸۶: ۲۰). در سایر تجربیات می‌توان به تجربیاتی چون مالزی: (مشارکت مردم در تهیه و اجرای طرح‌های ساختاری و محلی (۱۹۷۶)، فیلیپین (محله توندو در شهر مانیل): مشارکت شهروندان در ساخت معابر و گذرگاه‌ها، جابجایی مسکن به محل‌های مناسب، تأمین آب، لوله‌کشی فاضلاب و ساخت مرکز محله (۱۹۷۲)، کاستاریکا (حوزه حاشیه‌نشین سن خوزه): مشارکت مردم (به‌ویژه زنان) در تأمین مسکن (۱۹۷۲) اشاره کرد.

در مورد ایران و تجربه پیاده‌سازی برنامه‌ریزی مشارکتی شهر سالم در تهران (محله ۱۳آبان) که هدف آن ایجاد پاره‌ای از خدمات با همکاری و مشارکت مردم بود (علوی‌تبار، ۱۳۸۲، فصل سوم). طرح اجرا شده در محله فقیرنشین در شیرآباد زاهدان که توسعه مشارکتی و بسیج اجتماعی و ایجاد تشویق روحیه تعاون و کار گروهی بود (جباری، ۱۳۸۴: ۲۸۳). مشارکت ساکنان در اجرای پروژه‌های ساماندهی بافت اسکان غیررسمی همدان از جمله موارد دیگر است. در زمینه کاربرست مدل AHP در سنجش پتانسیل مشارکت‌پذیری محلات با توجه به جستجوهای انجام گرفته موردی حاصل نشد با این حال می‌توان از بکار بستن این مدل در موارد مختلف در داخل و خارج اشاره کرد که از جمله آنها می‌توان به مقالات چاپ شده توسط ال ساعتی، زبردست^۶، فرهودی، احدنژاد و... اشاره کرد.

۱- زبردست در مقاله‌ای به تشریح چگونگی استفاده از مدل AHP در مکان‌یابی پرداخته است جهت آشنایی بیشتر با مدل AHP می‌توانید به مقاله دکتر اسفندیار زبردست با عنوان کاربرد فرایند تحلیل سلسه‌مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای چاپ شده در شماره ۱۰ فصلنامه هنرهای زیبای دانشگاه تهران زمستان ۱۳۸۰ صفحات ۱۲۳ تا ۲۱ مراجعه نمایید.

جدول (۱) خلاصه از پژوهش‌های انجام گرفته در موضوع تحقیق

موضوع پژوهش	سال	نویسنده- محل	موضوع
مشارکت مردم	۱۹۸۷	دولت سنگال	مشارکت مالی و فیزیکی و اجرایی جمعیت ساکن در به‌سازی محیط
مشارکت مردم	۱۹۸۰	شهرداری بیرونکس در نیویورک	مشارکت متعامل مدیران و مردم در بهبود محل
مشارکت مردم	۱۹۷۶	دولت مالزی	مشارکت مردم در تهیه و اجرای طرح‌های ساختاری
مشارکت مردم	۱۹۷۲	شهرداری توندو مانیل - فیلیپین	مشارکت شهروندان در ساخت معابر و گذرگاه‌ها
مشارکت مردم	۱۹۷۲	شهرداری سن خوزه کاستاریکا	مشارکت مردم (به‌ویژه زنان) در تامین مسکن
رهیافت چند بعدی در کیفیت زندگی شهری استانبول	۱۹۹۹	بوروس الونگین European Journal of Operational Research	استفاده از مدل AHP در سنجش کیفیت زندگی شهری استانبول
مشارکت مردم	۱۳۷۱	شهرداری - محله ۱۳ آبان تهران	همکاری و مشارکت در ایجاد پاره‌ای خدمات
مشارکت مردم	۱۳۸۲	شیرآباد زاهدان - وزارت مسکن - بانک جهانی	توسعه مشارکتی و بسیج اجتماعی
مدل تحلیل سلسله‌مراتب در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای	۱۳۸۰	اسفندیار زبردست - هنرهای زیبا	تشریح مدل AHP و کاربرد عملی آن
ارزیابی آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در برابر زلزله	۱۳۸۹	محسن احدنژاد - مطالعات شهری و منطقه‌ای	سنجش آسیب‌پذیری بافت‌ها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتب بر روی شهر زنجان

چارچوب نظری

برنامه‌ریزی مشارکتی

انتقاد از برنامه‌ریزی سنتی (مانند برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی) و بیان و پشتیبانی آن از منافع و ارزش‌های طبقه متوسط جامعه، حرکتی بود به سمت هر چه دموکراتیک کردن فرایندهای تصمیم‌گیری و مشارکت دادن مردم در آن فرایندها (دانش‌پور: ۳۳۳). برنامه‌ریزی مشارکتی

نظریه‌ای که بر پایه اعتقاد به دموکراسی، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی استوار است. از این دیدگاه تصمیم‌گیری درباره توسعه و عمران شهر یا منطقه باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن موثر و ذینفع هستند و می‌باید بر اساس عدالت، آزادی و حق انتخاب شهروندان استوار گردد. برای تحقق این امر واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیش از پیش به عهده نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی، شوراهای محلی، گروه‌های کارشناسی و مانند آن حائز اهمیت است (مه‌دیزاده، ۱۳۸۲: ۱۰۷). گسترش پایه مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی یکی از رهیافت‌های مهم برنامه‌ریزی راهبردی محسوب می‌شود که ارزیابی نقش تمام عوامل و نیروهای موثر در حیات شهر را ایجاب کرده و نحوه حضور و دخالت آنها در تحولات حال و آینده شهر به درستی تعیین می‌نماید. شهر در نهایت به عامه شهروندان تعلق دارد و هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی شهری به تأمین آسایش و راحتی آنان است. بنابراین ضروری است که ذینفعان در شکل‌گیری، توسعه و نظارت و چگونگی بهره‌گیری از امکانات شهری دخالت فعال و موثر داشته باشند. از این دیدگاه مشارکت شهروندان در روند توسعه و عمران شهر یک پدیده فرعی یا یک تدبیر سیاسی و اخلاقی نیست بلکه یکی از ابزارهای لازم برای موفقیت در تهیه و اجرای برنامه‌های شهری محسوب می‌گردد (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۵) آنچه در فرایند این برنامه‌ریزی و بنیان نهادن پایه‌های آن حائز اهمیت است شناسایی اصول اولیه و پایه‌های اساسی مشارکت در فضای مورد برنامه‌ریزی است. شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل مشارکت مردمی در فضای محله‌ای، و به تعبیری دیگر سنجش ظرفیت مشارکت‌پذیری مردم محل و به تبع آن ظرفیت اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی در محله همواره پایه‌گذار تهیه و اجرای موفق فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی به‌شمار می‌رود. بنابراین پیش شرط برنامه‌ریزی مشارکتی آگاهی، شناخت و مطالعه شاخص‌های تعیین شده در برنامه‌ریزی مشارکتی است که در آن قابلیت‌های مختلفی چون میزان تمایل به کار گروهی، روابط صمیمی همسایگی، مشارکت در رفع مشکلات محله و... اندازه‌گیری شده و با توجه به این سنجش طرح‌ریزی برنامه مشارکتی در ابعاد مختلف اقدام می‌شود. بنابراین وجود قابلیت بالای مشارکت در محل و تسهیل‌گری ظرفیت موجود به سمت برنامه‌ریزی هدف‌دار با محوریت مشارکت

مردم افزایش توان اجرایی برنامه‌ریزی را به‌دنبال خواهد داشت. در مواقعی که قابلیت مشارکت بالفعل در وضع موجود محل پایین است، قبل از اقدام به اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی بالا بردن ظرفیت مشارکت‌پذیری محل با طرق مختلف چون آگاه‌سازی، اعتمادسازی، اطلاع‌رسانی (بسته رسانه‌ای، گروه‌های مشورتی، نشست‌های عمومی، کارگاه‌ها) شرط لازم است.

تسهیل‌گر

وجود یک راهبر در اجتماعات محلی به عنوان پایه و اساس کار در ایجاد روحیه مشارکت و به صحنه کشاندن مردم در عمران و آبادانی و بهبود کیفیت محیطی خود یکی از ضروریات اصلی است. چرا که به‌راه انداختن جریان مشارکت، مستلزم راه‌اندازی^۷ (استار تر) است که بتواند استارت مشارکت را زده و آن را به‌جایی برساند که موتور مشارکت بدون او به فعالیت مستمر و البته بدون استهلاک خود ادامه دهد. در این بین تسهیل‌گر مانند آهنگرایی است که در ابتدا اهالی محله را با جریان اعتمادسازی و آگاهی بخشی به‌خود جذب می‌کند. در ادامه کار با شکل‌گیری نطفه‌های مشارکت و ادامه جریان آن تسهیل‌گر شروع به واگذاری اختیارات خود به اجتماع محلی می‌نماید. به‌طوری‌که اهالی به تسهیل‌گرانی تبدیل می‌شوند که بدون وابستگی و با کار گروهی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند. در این موقعیت تسهیل‌گر که در ابتدا در راس قرار گرفته بود، نقش راس هرمی خود را از دست داده و تمامی افراد محل تبدیل به تسهیل‌گرانی می‌شوند که خود با اجتماع مشارکتی، امور محله را اداره کرده و به اجتماعات خود یار تبدیل شوند. بنابراین تسهیل‌گر یعنی فردی که ضمن آشنایی با اجتماع محلی و ویژگی‌های محله، با دانش لازم برای تأثیرگذاری بر اجتماعات و حرکت دادن محله به سمت توسعه پایدار به ایفای نقش می‌پردازد. تسهیل‌گری راهی است برای رهبری، بدون اینکه زمام امور به دست گرفته شود. وظیفه تسهیل‌گر آماده کردن دیگران برای برعهده گرفتن وظایف و مسئولیت‌ها است. برنامه‌ریز شهر با توجه به نقش تسهیل‌گری

خود می‌تواند مردم را به سمت تسهیل‌گری در محله هدایت نموده و وظایف ذیل را انجام دهد:

کمک به گروه و اجتماع محله‌ای برای تعریف اهداف کلی و هدف‌های جزئی و مشخص خود؛

کمک به اجتماع محلی برای ارزیابی نیازهای خود و تنظیم برنامه‌های برای برطرف ساختن آن‌ها؛

ارایه فرآیندهای که به اعضا یاری می‌دهد تا وقت خود را به نحو کارآمد صرف نمایند و تصمیماتی بگیرند که از کیفیت بالایی برخوردار باشد؛

هدایت بحث‌های گروهی به نحوی که در جهت صحیح پیش برود؛

تلاش در جهت توانمندسازی اجتماع محلی با مشارکت اجتماع محلی؛

تلاش در جهت ایجاد حس تعلق مکانی و هویت محلی؛

دادن مسئولیت‌های خود به مرور زمان به اجتماع محلی و سعی در مستقل و خود یار کردن اجتماع محلی.

بافت قدیم و بافت جدید

بافت‌های فرسوده در مفهوم قدیمی آن که روزگاری با توجه به زمانه خود بافت نو لحاظ می‌شده و به واسطه زمان فرسودگی را بر بیکره خود تنیده‌اند به بافت‌هایی گفته می‌شود که هسته‌ای اولیه شکل‌گیری شهر در بافت میانی (مرکزی) را به خود اختصاص داده است. این بافت‌ها با توجه به از دست دادن جمعیت خود و خروج ساکنان قدیمی آن که ناشی از وجود مسائل متعدد در ابعاد مختلف جغرافیایی چون نارسایی خدمات، کیفیت نامناسب مسکن، نارسایی شبکه عبور و مرور و... است عاملی در انتقال تدریجی ساکنان قدیمی و جایگزین شدن طبقه فرودست جامعه و افراد مهاجر روستایی به این محلات می‌باشد. از طرف دیگر امروزه شاهد آن هستیم که جابه‌جایی جمعیت در این محلات مانند گذشته صرفاً نه به دلیل مشکلات کالبدی موجود بلکه بروز مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و البته زیست محیطی، در کنار کم‌توجهی مدیریت شهری روی می‌دهد. در نقطه مقابل بافت فرسوده،

بافت‌های جدید شهری قرار دارند که دارای خصوصیات مجزا از بافت‌های فرسوده می‌باشند. بافت جدید به بافت‌هایی گفته می‌شوند که هسته‌های ثانویه توسعه شهری را شامل شده و به صورت برنامه‌ریزانه و با طرح و نقشه‌های مهندسی شکل گرفته‌اند. این بافت‌ها با توجه به نحوه شکل‌گیری خود عمدتاً از نظر خدمات و سلسله‌مراتب خدمات شهری از وضعیت نسبتاً بهتری در مقایسه با بافت‌های فرسوده برخوردار می‌باشند. با این حال همانطور که گفته شد لزوم برنامه‌ریزی مشارکتی در کلیت نظام شهری با تکیه بر محلات شهری به‌ویژه محلات نامساعد و نامطلوب از رویکردهای اساسی در بهبود و حفظ پایداری محله و شهر محسوب می‌شود. چراکه ساکنان با ظرفیت بالقوه و بالفعل مشارکت، توان ایجاد یکپارچگی در بهبود وضعیت زیستی خود را دارند. منتها به تسهیل‌گری نیازمندند که تا گام اول برنامه‌ریزی مشارکتی یعنی هدایت ظرفیت مشارکت به سمت اهداف برنامه‌ریزی را برداشته و ساکنان را در راستای دستیابی به توسعه پایدار محله‌ای تسهیل‌گری نماید. بنابراین سنجش و اندازه‌گیری سطح مشارکت محلات و قابلیت برنامه‌ریزی مشارکتی در محله نقطه آغازین برای پیاده کردن این برنامه‌ریزی است. از این‌رو با توجه به تفاوت‌های موجود بین بافت‌های فرسوده و بافت‌های جدید با بررسی فرآیند مشارکت بین دو محله حسیتی (بافت قدیم) و محله قائم (بافت جدید) به شناسایی و ارزیابی قابلیت مشارکت در هر دو محله اقدام شده است.

تشریح مدل فرایند تحلیل سلسله‌مراتب^{AHP}

فرایند تحلیل سلسله‌مراتب ابداعی ال ساعتی (۱۹۸۰) یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه به‌شمار می‌رود زیرا این تکنیک با فرموله کردن مساله به صورت سلسله‌مراتبی امکان در نظر گرفتن معیارهای مختلف کمی و کیفی را فراهم می‌سازد. مقایسه شاخص‌ها، امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیرمعیارها و تعیین میزان سازگاری یا ناسازگاری تصمیم از مزایای ممتاز این تکنیک در تصمیم‌گیری است (قدسی‌پور، ۱۳۸۷: ۵). مدل تحلیل سلسله‌مراتب بر چهار اصل اساسی: شرط معکوس، اصل همگن، وابستگی، انتظارات استوار است (Saaty, 1986: 17). در این مدل اهمیت شاخص‌های

مختلف به‌صورت طیفی از یک تا ۹ (از خیلی خوب تا خیلی بد) طبقه‌بندی شده و با توجه به اهمیت آن، هر شاخص عددی از یک تا ۹ را به خود اختصاص می‌دهد. به‌طوری‌که عد بیشتر (یعنی ۹) نشان از بالاترین درجه اهمیت و عدد ۱/۹ پایین‌ترین درجه اهمیت را دارد.

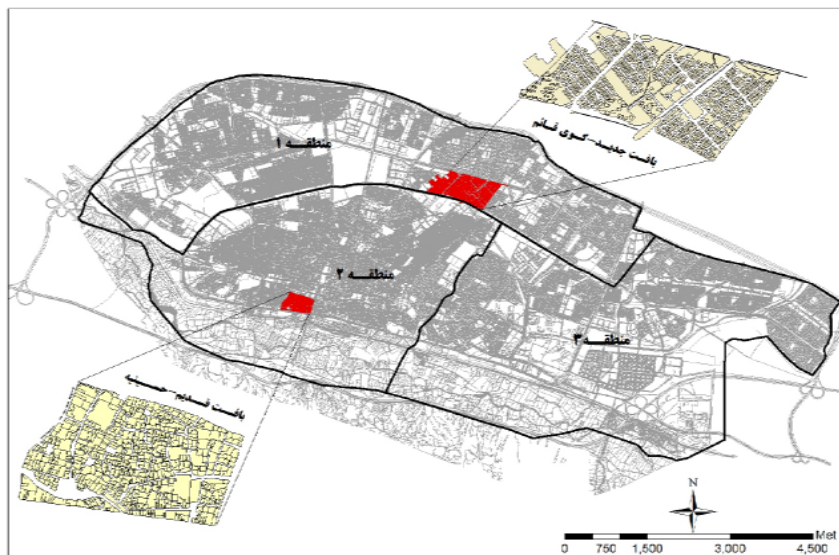
مواد و روش‌ها

روش تحقیق از نوع تجربی - همبستگی مبتنی بر روش‌های کمی است که با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. در روش کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد، کتب و مقالات مختلف چارچوب نظری پژوهش و پاره‌ای اطلاعات مربوط به محدوده مورد مطالعه به‌دست آمد. در شیوه میدانی با توجه به حجم جامعه آماری (جمعیت محلات مورد مطالعه) با استفاده از روش کوکران تعداد ۵۰ نمونه برای محله حسینییه (بافت قدیم) و ۸۰ نمونه برای محله قائم (بافت جدید) به‌دست آمد. با توجه به شاخص‌های ظرفیت مشارکت‌پذیری پرسش‌نامه تهیه و به‌صورت توزیع تصادفی در محلات توزیع شد. آمار جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و همبستگی داده‌های مورد نظر به‌دست آمد. اولویت‌بندی و تعیین ضرایب اهمیت معیارها و شاخص‌های به‌کار برده شده ابتدا با استفاده از نظرات کارشناسی (نخبگان این حوزه) تدقیق شده و در مدل دلفی پیاده شد. داده‌های حاصل از استخراج نتایج پرسش‌نامه با لحاظ معیارهای به‌دست آمده در مدل AHP پیاده و نتایج حاصل مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی شاخص‌های مورد نظر با نظرات کارشناسان سنجیده و مورد تدقیق قرار گرفت که نتیجتاً دو معیار روابط همسایگی با ۴ گویه و مشارکت و همیاری با ۴ گویه انتخاب شد. جهت اطمینان از روایی پرسش‌نامه با استفاده از روش پیش‌آزمون تعداد ۱۵ پرسش‌نامه در هر محله تکمیل شده و ضریب آلفای کرونباخ آن به‌دست آمد. ضریب آلفای به‌دست آمده ۰٫۷۲ بوده که نشان از روایی مناسب پژوهش می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

شهر زنجان به‌عنوان مرکز استان زنجان با جمعیت تقریبی ۳۵۰ هزار نفر در شمال‌غربی کشور ایران واقع شده است. محله حسینییه (بافت قدیم) با جمعیت ۲۶۵۵ نفر یکی از محلات

قدیم و با فرسودگی کالبدی که هسته اولیه شکل‌گیری شهر زنجان در جنوب شهر را شکل می‌دهد. محله قائم (بافت جدید) با جمعیت ۷۵۰۰ نفر که از شهرک‌های جدیدی است که در دهه اخیر در شمال شهر زنجان شکل گرفته است (ر.ک. به نقشه ۱). در حال حاضر محله حسینیه محل سکونت اقشار کم‌درآمد شهر با میانگین درآمدی ۳۰۰ هزار تومان در ماه برای هر خانوار و محله قائم محل سکونت طبقه متوسط به بالای جامعه با میانگین درآمدی ۶۵۰ هزار تومان در هر ماه برای هر خانوار می‌باشند. در این مقاله با توجه به تفاوت بین دو محله از نظر شاخص مختلف (ر.ک. به جدول ۲) به سنجش و ارزیابی توان برنامه‌ریزی مشارکتی هر دو محله با توجه به شاخص‌های اجتماعی و با استفاده از مدل AHP و تحلیل همبستگی شاخص‌ها اقدام شده است. برای ارزیابی و سنجش میزان مشارکت در دو نوع بافت ذکر شده، اقدام به شاخص‌سازی در ابعاد اجتماعی شد. نتیجتاً با توجه به نظرات متخصصان ۱۰ شاخص: مشارکت در رفع مشکلات محله، شرکت در انتخابات، شرکت در کارهای گروهی، شرکت در گروه‌های مذهبی، مشورت با همسایگان، وجود روابط صمیمانه بین همسایگان، رفتن به میهمانی به منازل یکدیگر، تمایل به همکاری با شورای شهر، در میان گذاشتن مشکلات با همسایگان، شرکت در انتخابات شورای محله گذاشتن وقت برای مشکلات محله، حضور در انتخابات نهایی گردید.



نقشه (۱) موقعیت محله حسینیه (بافت قدیم) و محله قائم (بافت جدید) در شهر زنجان

جدول (۲) وضعیت عمومی محلات قدیم، جدید محدود مورد مطالعه

وضعیت بافت‌های قدیم و جدید		
شاخص	حسینیه (بافت قدیم)	قائم (بافت جدید)
وضعیت فضای سبز	۱۵	۶۰
وضعیت امکانات تفریحی و رفاهی	۱۰	۱۰
وضعیت کوچه و خیابان	۳۰	۶۰
دسترسی به وسیله حمل و نقل	۶۷	۷۵
دسترسی به خدمات ورزشی	۶۰	۸۰
وضعیت واحد مسکونی	۴۰	۱۰۰
امنیت محل	۴۰	۷۰
وضعیت دفع زباله	۷۰	۹۰
سرانه مسکونی	۲۵ متر	۳۴ متر
بعد خانوار	۴	۳۶
متوسط درآمد خانوار در ماه (ریال)	۳ میلیون ریال	۶,۵ میلیون
درصد باسوادی	۷۲ درصد	۹۴ درصد

میزان رضایت (به درصد)

یافته‌ها و بحث

با توجه با مطالب عنوان شده مراحل پیاده‌سازی مدل تحلیل سلسله‌مراتب (AHP) و تحلیل همبستگی به شرح زیر می‌باشد.

سنجش ظرفیت مشارکت در مدل تحلیل سلسله‌مراتب

مراحل سنجش ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان بافت‌های جدید و قدیم در مدل تحلیل سلسله‌مراتب به شرح مراحل زیر می‌باشد:

مرحله اول: چگونگی تشکیل سلسله‌مراتب

شاخص‌های و معیارهای مورد سنجش مشارکت بر اساس مطالعات صورت گرفته از کتب مختلف تعیین شده و سپس با توجه به معیارهای تعیین شده اقدام به تعیین ضرایب اهمیت بر اساس مدل دلفی (به‌روش جمع‌بندی نظرات کارشناسان و میانگین‌گیری از آنها) شد (ر.ک. به جدول ۳)، بر این اساس در مدل AHP تشکیل سلسله‌مراتب اولین قدم در ارزیابی مسائل بوده که تعیین هدف در راس و شاخص و زیرشاخص‌ها در زیر بخش سلسله‌مراتب قرار می‌گیرند. سلسله‌مراتب تشکیل شده برای ارزیابی توان برنامه‌ریزی مشارکتی بافت قدیم و جدید شهر زنجان به قرار نمودار (۱) تهیه و تنظیم شده است.

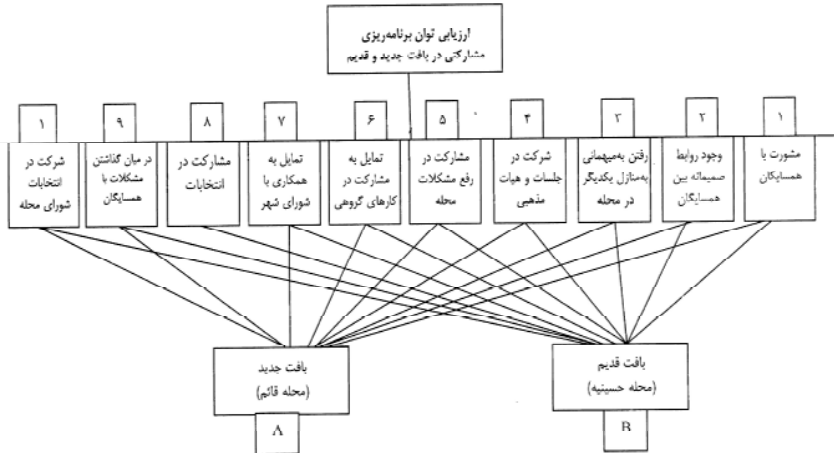
جدول (۳) معیارهای سنجش ظرفیت مشارکت‌پذیری در پژوهش مورد نظر

معیارها	روابط همسایگی	مشارکت و همیاری
گویه‌ها	وجود روابط صمیمانه بین همسایگان	شرکت در جلسات و هیات‌های مذهبی
	رفتن به میهمانی به منازل یکدیگر در محله	مشارکت در رفع مشکلات محله
	مشورت با همسایگان	مشارکت در کارهای گروهی
	در میان گذاشتن مشکلات با همسایگان	شرکت در انتخابات و تمایل به همکاری با شورای شهر

مرحله دوم: اولویت‌بندی و وزن‌دهی به شاخص‌ها

در این مرحله ابتدا به تشکیل ماتریس مقایسه دودویی معیارها نسبت به همدیگر، تعیین اهمیت هر معیار و سپس به‌دست آوردن وزن نهایی معیارهای مختلف اقدام شده است. در

مذهبی											
مشارکت در رفع مشکلات محله	۳	۱	۷	۷							۰/۲۳۹
مشارکت در کارهای گروهی	۵	۳	۹	۵	۱/۲						۰/۱۹۸
تمایل به همکاری با شورای شهر	۱/۲	۱/۳	۵	۳	۱/۳	۱/۲					۰/۰۸۸
مشارکت در انتخابات	۱/۷	۱/۵	۱/۵	۲	۱/۵	۱/۲	۱/۲				۰/۰۳۵
در میان گذاشتن مشکلات با همسایگان	۱/۳	۱/۳	۳	۱/۲	۱/۵	۱/۴	۱/۳	۱/۲			۰/۰۳۵
شرکت در انتخابات شورای محله	۱/۴	۱/۵	۵	۳	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۲	۳		۰/۰۶۶



نمودار (۱) سلسله‌مراتب سنجش توان برنامه‌ریزی مشارکتی در محلات جدید و قدیم

ضریب سازگاری^۹ به‌دست آمده ۰،۰۵ می‌باشد که با توجه به ضریب سازگاری بایستی کمتر از ۰،۱ باشد، سازگاری به‌دست آمده برای ماتریس مورد نظر قابل قبول بوده و نیازی به تجدیدنظر در تصمیم‌گیری نیست.

$$\lambda = 10.7 \quad IR(10 \times 10) = 1.45$$

$$CI = \frac{\lambda - n}{n - 1} = \frac{10.7 - 10}{10 - 1} = 0.077$$

$$CR = \frac{CI}{IR(10 \times 10)} = \frac{0.077}{1.45} = 0.05$$

مرحله سوم: تعیین وزن معیارها در محلات

در این مرحله اقدام به مقایسه و تعیین اهمیت هر یک از شاخص‌ها در محلات شده و ضریب اهمیت هر معیار در محلات جدید و قدیم به‌دست می‌آید. جهت بررسی ضریب اهمیت

۹- برای پی بردن به میزان سازگاری و ناسازگاری ماتریس اقدام به آزمون میزان سازگاری ماتریس می‌کنند چرا که به‌دست آوردن میزان سازگاری نقش مهمی در کنترل فرایند تصمیم‌گیری دارد در واقع با سنجش میزان سازگاری سیستم نسبت خوب و بد بودن یا قابل قبول و مردود بودن سلسله‌مراتب را تعیین می‌کند.

هر معیار در محلات اقدام به تکمیل پرسش‌نامه (۵۰ پرسش‌نامه در محله حسینه و ۸۰ پرسش‌نامه در محله قائم) شد که با توجه به میزان و درصد هر شاخص در مرحله اقدام به وزن‌بندی شاخص‌ها و تعیین ضریب اهمیت هر شاخص در محلات مزبور گردید (جدول ۵). بر این اساس مشارکت در حل مشکلات محله و شرکت در کارهای گروهی به‌عنوان دو معیار با ضریب اهمیت بالا که در مرحله قبل به‌دست آمده است تفاوت چشمگیری را در محله قدیم و جدید نشان می‌دهد به‌طوری‌که ضریب اهمیت معیار مشارکت در مشکلات محله در بافت قدیم- محله حسینه (۰،۸۱۷) و در بافت جدید- محله قائم (۰،۱۸۳) است. در معیار شرکت در کارهای گروهی ضریب اهمیت محله حسینه (۰،۸۷۴) و محله قائم (۰،۱۲۶) می‌باشد. بنابراین در دو معیار مشارکت در حل مشکلات محله و شرکت در کارهای گروهی بافت قدیم مطلوب‌تر از بافت جدید است.

جدول (۵) وزن معیارهای مختلف در محلات قدیم و جدید

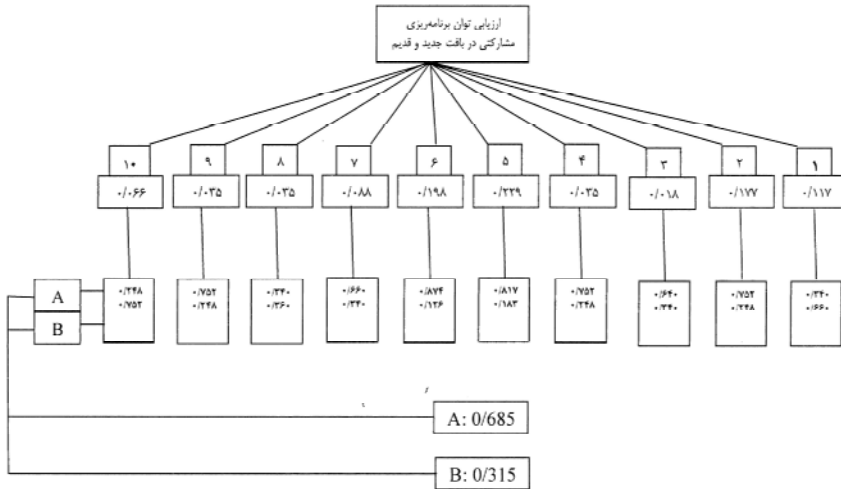
وزن هر یک شاخص‌ها در محلات حسینه و قائم (بافت قدیم و جدید)										
معیارها	مشورت با همسایگان	وجود روابط صمیمانه بین همسایگان	رفتن به میهمانی به منازل یکدیگر در محله	شرکت در جلسات و هیات‌های مذهبی	مشارکت در رفع مشکلات محله	تمایل به مشارکت در کارهای گروهی	تمایل به همکاری با شورا	مشارکت در انتخابات	در میان گذاشتن مشکلات با همسایگان	شرکت در انتخابات شورای محله
بافت قدیم (حسینه)	۰/۳۴۰	۰/۷۵۲	۰/۶۴۰	۰/۷۵۲	۰/۸۱۷	۰/۸۷۴	۰/۶۶۰	۰/۳۴۰	۰/۷۵۲	۰/۲۴۸
بافت جدید (قائم)	۰/۶۶۰	۰/۲۴۸	۰/۳۴۰	۰/۲۴۸	۰/۱۸۳	۰/۱۲۶	۰/۳۴۰	۰/۶۶۰	۰/۲۴۸	۰/۷۵۲

CR:0.050

مرحله چهارم- محاسبه وزن نهایی در هر یک از محلات

برای به‌دست آوردن وزن نهایی و تعیین محله مطلوب از نظر قابلیت برنامه‌ریزی مشارکتی اقدام به ضرب ضریب اهمیت هر یک از معیارها به ضریب اهمیت شاخص اصلی و جمع هر یک شد (جدول ۳) که در نتیجه برای بافت قدیم ضریب اهمیت یا وزن نهایی (۰،۶۸۵) و برای بافت جدید (۰،۳۱۵) به‌دست آمد بنابراین از نظر قابلیت برنامه‌ریزی مشارکتی محله

حسینیه به‌عنوان بافت قدیم دارای ضریب اهمیت بیشتر و در نتیجه شرایط مطلوب‌تری نسبت به محله قائم به عنوان بافت جدید است (جدول ۶).



نمودار (۲) سلسله‌مراتب نهایی معیارها و وزن نهایی معیارها در محله A (بافت قدیم- حسینیه) و محله B (بافت جدید- قائم)

جدول (۶) وزن نهایی معیارها در بافت قدیم و جدید

معیارها	مشورت با همسایگان	وجود روابط صمیمانه بین همسایگان	رفتن به مهمانی به منازل یکدیگر در محله	شرکت در جلسات و هیات‌های مذهبی	مشارکت در رفع مشکلات محله	تمایل به مشارکت در کارهای گروهی	تمایل به همکاری با شورا	مشارکت در انتخابات	در میان گذاشتن مشکلات با همسایگان	شرکت در انتخابات شورای محله	وزن نهایی
بافت قدیم (حسینیه)	$(0/117*0/340)+(0/177*0/752)+(0/018*0/640)+(0/035*0/752)+(0/229*0/817)+(0/198*0/87)+(0/088*0/660)+(0/0350*0/340)+(0/035*0/752)+(0/0660*0/248)$										0/683
بافت جدید (قائم)	$(0/117*0/660)+(0/177*0/248)+(0/018*0/340)+(0/035*0/248)+(0/229*0/183)+(0/198*0/126)+(0/088*0/340)+(0/035*0/660)+(0/035*0/248)+(0/066*0/752)$										/315

مرحله پنجم: ترسیم سلسله مراتب نهایی

بعد از به‌دست آوردن وزن و اهمیت معیارهای مختلف در و وزن نهایی معیارها در هر دو

محلہ اقدام به ترسیم نمودار سلسله‌مراتب می‌شود. نمودار سلسله‌مراتب معیارها مختلف را به صورت عددی با ضریب وزنی هر یک نشان می‌دهد.

برای درک بهتر قابلیت برنامه‌ریزی مشارکتی در محلات جدید و قدیم اقدام به ارزیابی سنجش میزان همبستگی یا ارتباط و وابستگی شاخص‌ها نسبت به همدیگر و سپس وزن‌دهی و تعیین ضرایب اهمیت هریک با توجه به میزان ارتباط یک شاخص با شاخص‌های دیگر شد. آنچه از این همبستگی حاصل شد این است که سطح همبستگی بین شاخص‌ها در محلات قدیم بیشتر از محلات جدید می‌باشد. به طوری که در شاخص همبستگی بین مشارکت در رفع مشکلات محلہ در بافت قدیم همبستگی در ۸ شاخص با سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ وجود داشته در حالی که در بافت جدید این میزان در ۴ شاخص با سطح معناداری ۰,۰۵ مشاهده می‌شود. همچنین در شاخص شرکت در کارهای گروهی که از شاخص‌های با اهمیت از نظر کارشناسان رشته‌های مختلف در ارزیابی قابلیت برنامه‌ریزی مشارکتی است در بافت قدیم (محلہ حسینیه) ۶ شاخص و در بافت جدید ۴ شاخص همبستگی مثبت را نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به ارزیابی همبستگی در هر دو بافت میزان همبستگی در بین شاخص‌های مختلف در بافت قدیم به طور میانگین در ۵,۲ شاخص و در بافت جدید این میزان ۲,۹ شاخص می‌باشد. لذا در بافت قدیم میزان همبستگی در شاخص‌های مختلف به مراتب بیشتر از بافت جدید بوده که همین عامل نشان از قابلیت بالای پیاده کردن برنامه‌ریزی مشارکتی در بافت قدیم است (جدول ۷).

جدول (۷) همبستگی شاخص‌های ده‌گانه در بافت جدید و قدیم

شاخص	نوع بافت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	جمع تعداد همبستگی مثبت
۱	بافت قدیم	.	..۲۰(*)	..۱۵(*)	..۴۷(*)	..۲۴۷	..۰۴(*)	..۲۸(*)	..۰۳(*)	..۲۰(*)	..۱۵۷	۷
	بافت جدید	.	..۰۲(*)	..۱۰۵	...(*)	..۷۳۵	..۲۵(*)	..۰۵۹	..۷۵۷	..۲۳(*)	..۷۸۷	۴
۲	بافت قدیم	..۰۳۰(*)(*)	..۲۹۵	..۱۰۰	..۶۹۶	..۹۷۳	..۵۶۸	..۱۰(*)	..۶۲۷	۳
	بافت جدید	..۰۰۲(*)	.	..۰۲(*)	...(*)	..۱۵۲	..۱۱۸	..۹۳۰	..۹۰۹	..۳۵	..۷۲۳	۳
۳	بافت قدیم	..۱۵(*)	...(*)	.	..۰۱(*)	..۴۰(*)	..۲۲(*)	..۱۲۴	..۸۰۰	..۰۴(*)	..۱۳۳	۶
	بافت جدید	..۱۰۵	..۰۲(*)	.	..۰۲(*)	..۲۸۹	..۳۶۶	..۱۳۶	..۷۰۳	..۱۸۵	..۴۳۹	۲
۴	بافت قدیم	..۴۷(*)	..۲۹۵(*)	..۰۱(*)	.	..۱۲(*)	..۰۱(*)	..۵۶۹	..۹۷۹	..۲۶۷	..۹۸۶	۵
	بافت جدید	...(*)	...(*)	..۰۲(*)	.	..۲۱۳	..۳۴(*)	..۲۰۸	..۲۰۳	..۵۴(*)	..۳۸۷	۵
۵	بافت قدیم	..۰۳۸(*)	..۱۰۰	..۰۴۰(*)	..۰۱۲(x)	.	..۰۲(*)	..۰۱(*)	..۱۹۱	..۱۲۲(*)	..۲۵۵	۶
	بافت جدید	..۷۳۵	..۱۵۲	..۲۸۹	..۲۱۳	.	..۰۴۵(*)	..۸۷۲	..۷۸۸	..۲۵۰	..۷۷۵	۱
۶	بافت قدیم	..۰۰۴(*)	..۶۹۶	..۲۲(*)	..۰۱(*)	..۰۲(*)	.	..۰۸(*)	..۰۱(*)	..۰۴(*)	..۲۰۵	۸
	بافت جدید	..۰۳۵(*)	..۱۱۸	..۳۶۶	..۰۳۴(*)	..۰۴۵(*)	.	..۱۹۶	..۸۴(*)	..۱۱۹	..۸۰۰	۴
۷	بافت قدیم	..۰۲۸(*)	..۹۷۳	..۱۲۴	..۵۶۹	..۱۰(*)	..۰۸(*)(*)	..۰۳(*)	..۱۱(*)	۶
	بافت جدید	..۰۰۹	..۹۲۰	..۱۳۶	..۲۰۸	..۸۷۲	..۱۹۶	.	..۰۱(*)	..۱۶۸	..۳۴۷	۴
۸	بافت قدیم	..۰۳۰(*)	..۵۶۸	..۸۰۰	..۹۷۹	..۸۱۹	..۰۱(*)	...(*)	.	..۸۶۴	..۰۴(*)	۴
	بافت جدید	..۷۵۷	..۹۰۹	..۷۰۳	..۲۰۳	..۷۸۸	..۰۸۴	..۰۱(*)	.	..۰۵۶	...(*)	۲
۹	بافت قدیم	..۰۲۰(*)	..۰۱۰(*)	..۱۰۰	..۲۶۷	..۱۲۲(*)	..۰۴۱(*)	..۰۳۰(*)	..۸۶۴	.	..۹۶۰	۵
	بافت جدید	..۰۳۳(*)	..۳۲۵	..۱۸۵	..۰۵۴	..۲۵۰	..۱۱۹	..۱۶۸	..۰۵۶	.	..۰۳۰(*)	۲
۱۰	بافت قدیم	..۱۵۷	..۶۲۷	..۳۳۳	..۹۸۶	..۲۵۵	..۲۰۵	..۱۱(*)	..۰۴(*)	..۹۶۰	.	۲
	بافت جدید	..۷۸۷	..۷۲۳	..۴۳۹	..۲۸۷	..۷۷۵	..۸۰۰	..۲۴۷	...(*)	..۰۳۰(*)	.	۲

* همبستگی در سطح ۰،۰۱ (ضریب اطمینان ۹۹ درصد) با دو ستاره و در سطح ۰،۰۵ (ضریب اطمینان ۹۵ درصد) با یک ستاره مشخص است، اعداد نشانگر شاخص‌ها هستند که در جدول ۷ با کد مشخص می‌باشند

بر اساس سنجش همبستگی بین شاخص‌های مختلف، اقدام به تعیین اهمیت و اولویت‌بندی شاخص‌ها و به‌دست آوردن ضریب اهمیت و وزن هر شاخص در محلات مذکور شد. براین اساس در درون بافت قدیم ضریب همبستگی و وزن شاخص‌ها در دو شاخص مشارکت در بهبود محله و مشورت با همسایگان به ترتیب با وزن ۰،۱۰۸ و ۰،۱۰۵ در مراتب بالاتر وزنی قرار گرفته‌اند که نشان از همبستگی بالای این دو شاخص با سایر شاخص‌ها است. در بافت جدید دو شاخص درمیان گذاشتن نگرانی شخصی با همسایگان با ضریب اهمیت

۰،۱۱۰ و مشارکت در رفع مشکلات محله، شرکت در کارهای گروهی و مشورت با همسایگان با ضریب اهمیت ۰،۱۰۵ بالاترین میزان همبستگی را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۸).

در نهایت برای تعیین محله مطلوب‌تر اقدام به تعیین وزن شاخص‌های مختلف در هر دو محله شد که در نتیجه محله حسینه (بافت قدیم) دارای امتیاز ۰،۵۴۶ و محله قائم (بافت جدید) امتیاز ۰،۴۵۴ را از نظر همبستگی بین شاخص‌ها دارا می‌باشد. بنابراین بافت قدیم یعنی محله حسینه دارای همبستگی بالاتری داشته و از ظرفیت برنامه‌ریزی مشارکتی بالایی نسبت به بافت جدید یعنی محله قائم دارا می‌باشد (جدول ۸).

جدول (۸) ارزیابی میزان همبستگی هر شاخص و تعیین ضریب اهمیت نهایی

کد	شاخص	بافت قدیم (محله حسینه)				بافت جدید (محله قائم)			
		تعداد همبستگی	ضریب اهمیت	وزن در محله	وزن نهایی	تعداد همبستگی	ضریب اهمیت	وزن در محله	وزن نهایی
۱	مشورت یا همسایگان	۷	۷	۰،۱۰۵	۰،۵۵۶	۴	۳	۰،۱۰۵	۰،۴۴۴
۲	وجود روابط صمیمانه بین خانواده‌ها همسایه‌ها وجود دارد	۳	۲	۰،۰۹۳	۰،۵۰۰	۳	۲	۰،۱۰۰	۰،۵۰۰
۳	رفتن به میهمانی به منازل یکدیگر	۶	۴	۰،۰۹۹	۰،۵۷۹	۲	۲	۰،۱۰۰	۰،۴۲۱
۴	در میان گذاشتن نگرانی با همسایه همسایگان	۵	۵	۰،۱۰۱	۰،۵۰۰	۵	۵	۰،۱۱۰	۰،۵۰۰
۵	شرکت در جلسات و هیات‌های مذهبی مذهبی	۶	۵	۰،۱۰۱	۰،۵۸۹	۱	۱	۰،۰۹۴	۰،۴۱۱
۶	مشارکت در رفع مشکلات محل	۸	۹	۰،۱۰۸	۰،۵۵۶	۴	۳	۰،۱۰۵	۰،۴۴۴
۷	تمایل به شرکت در کارهای گروهی محله	۶	۶	۰،۱۰۴	۰،۵۵۶	۴	۳	۰،۱۰۵	۰،۴۴۴
۸	تمایل به شرکت در انتخابات شورایی	۴	۳	۰،۰۹۷	۰،۵۵۶	۲	۱	۰،۰۹۴	۰،۴۴۴
۹	صحبت با همسایگان در مورد محل مشکلات محله	۵	۴	۰،۰۹۹	۰،۵۶۹	۲	۱	۰،۰۹۴	۰،۴۳۱
۱۰	تمایل به همکاری با شورای شهر	۲	۲	۰،۰۹۳	۰،۵۰۰	۲	۱	۰،۰۹۴	۰،۵۰۰
-	میانگین	۵،۲	--	۰،۱	۰،۵۴۶	۲،۹	--	۱	۰،۴۵۴

باوجود میزان و توان بالای برنامه‌ریزی مشارکتی در بافت فرسوده و با توجه به شاخص‌های مورد بررسی، این سوال مطرح می‌شود که وضعیت نامطلوب حاکم بر این محلات از چه عواملی ناشی شده است. براساس برداشت‌های میدانی و اطلاعات به‌دست آمده از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه وضعیت کالبدی که شرح آن در جدول شماره ۲ آورده شده است، وضعیت محله حسینی به‌عنوان بافت فرسوده از نظر شاخص‌های کالبدی و زیست محیطی علی‌رغم سطح بالای مشارکت، نامطلوب‌تر از محله قائم بوده که دلایل متعددی برای آن از جمله ضعف ساختار مدیریت شهری، فقر اقتصادی ساکنان و... می‌توان برشمرد. ولی آنچه با توجه به سطح مشارکت بالای محله حسینی مورد توجه است نبود تسهیل‌گر یا اصطلاحاً نبود شخص هدایت‌گر است که بتواند اهرم‌ها و ظرفیت موجود مشارکت در محله را به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و کاربست آن با اهداف برنامه‌ریزانه در جهت بهبود محیط محله هدایت نماید. باید گفت این محلات با وجود سطح بالای مشارکت و وجود همبستگی بالای اجتماعی بین ساکنان، به‌دلیل عملکرد موازی و غیربرنامه‌ریزانه در کنار نادیده انگاشته شدن محلات از سوی مدیریت‌های مختلف شهری، ظرفیت و توان موجود مشارکت به‌صورت هدفمند مورد استفاده قرار نگرفته است. و این عامل در کنار عواملی چون فقر شهری حاکم بر محله (که البته می‌توان آن را با برنامه‌ریزی مشارکتی تعدیل کرد) باعث شده است تا این محلات دارای وضعیت مناسبی در مقایسه با محلات جدید نباشند. محلات قدیم با توجه به قدمت، ریشه و ساختار سنتی، بیانگر نحوه شکل‌گیری شهر و در یک مفهوم تاریخ و هویت شهر می‌باشند. ولی در وضعیت کنونی به‌دلیل شرایط نامناسب حاکم بر آن با جابجایی و تحرک شدید جمعیت همراه بوده است. این محلات به مانند محلات اسکان غیررسمی در شرایط حاضر محل سکونت موقت مهاجران روستایی و اقشار فرودست جامعه شده که با بهبود شرایط به ترک محل اقدام نموده و جای خود را به طبقه درآمده پایین‌تر از خود می‌دهند. همین امر باعث شده است که این محلات علی‌رغم هویت بخشی به شهر و سابقه و ریشه سنتی بسیار طولانی خود، امروزه به‌عنوان محلات فقرزده شناخته می‌شوند. بنابراین لزوم به‌سازی و نوسازی این محلات نیازمند استفاده از توان مشارکت محلی و هدایت تسهیل‌گرانه مشارکت در جهت بهبود وضعیت موجود محله با حفظ ساختار سنتی محله است. لذا وجود

تسهیل‌گر و تسهیل‌گری در استفاده از ظرفیت مشارکت ساکنان محله در محلات فرسوده (بافت قدیم) و بوجود آوردن شرایط مشارکت و افزایش روابط اجتماعی در محلات جدید با ایجاد فضاهای اجتماع محور و... در محلات جدید به‌عنوان آغازگر برنامه‌ریزی مشارکتی بسیار مهم و اساسی بوده و پایه‌گذاری برنامه‌ریزی مشارکتی در محلات یاد شده است.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزی مشارکتی به‌عنوان رهیافت نوینی از برنامه‌ریزی، با توان استفاده از قابلیت‌های مشارکتی مردم و درگیر کردن ساکنان در سرنوشت خویش همواره مورد توجه اکثر برنامه‌ریزان شهری بوده است. همانطور که بیان شد پایه‌گذاری این نوع برنامه‌ریزی مستلزم آگاهی از ظرفیت محیط و آشنایی و شناخت فضای مورد برنامه‌ریزی است. براین اساس در برنامه‌ریزی مشارکتی سنجش و ارزیابی پتانسیل مشارکت و ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان محل اساس برنامه‌ریزی مشارکتی قرار دارد. در این راستا با توجه به تفاوت محلات شهری در ابعاد مختلف فضایی، مطالعه جداگانه محلات و آشنایی با ظرفیت مشارکت‌پذیری مردم به منظور پایه‌گذاری برنامه‌ریزی مشارکتی در محلات مختلف ضروری می‌باشد. بافت‌های قدیم و جدید شهری نیز به‌عنوان بافت‌هایی با ویژگی‌های مجزا از هم، مطالعه جداگانه‌ای را برای پایه‌گذاری برنامه‌ریزی مشارکتی می‌طلبد. در مطالعه و ارزیابی توان و ظرفیت مشارکت‌پذیری محلات جدید و قدیم با نمونه موردی محله حسینیه (بافت قدیم) و محله قائم (بافت جدید) شهر زنجان این نتیجه حاصل شد که قابلیت مشارکت و پتانسیل اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی در محلات قدیم علی‌رغم مشکلات و مسائل متعدد در مقایسه با محلات جدید بالاتر می‌باشد. با این وجود با توجه به وضعیت محلات قدیم راهبرد اساسی برای استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری محل به منظور بهبود وضعیت محله شکل‌گیری تسهیل‌گری و هدایت توان موجود به سمت بهبود و پایداری محیط مسکونی در ارتباط با برنامه‌ریزی مشارکتی است. چرا که دخالت دادن مردم در فرایند تهیه و اجرای برنامه‌ریزی با توجه به ظرفیت بالای مشارکت محله‌ای نقش بسزایی در ساماندهی فضای محله خواهد داشت. در بافت‌های جدید نیز که مطمئناً با توجه به سیر زمان فرسوده شده و به مانند بافت‌های قدیم عمل خواهند کرد، توجه به پتانسیل مشارکت

محل‌های از هم اکنون و لزوم برنامه‌ریزی در جهت ارتقا ظرفیت مشارکت با روش‌های مختلف، چون ایجاد فضاهای اجتماع محور، اعتمادسازی، اطلاع‌رسانی و... ضروری به نظر می‌رسد. زیرا با گذشت زمان مسائل و مشکلات جدیدی در ابعاد مختلف جغرافیایی در این محلات ایجاد خواهد شد. بنابراین لزوم برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به شناخت و آگاهی از ظرفیت مشارکت‌پذیری محلات مختلف از ضروریات امروزی برنامه‌ریزی در بافت‌های مختلف شهری به‌عنوان عناصر سیستم شهری بیش از پیش احساس می‌شود.

منابع

- ۱- احدنژاد، محسن (۱۳۸۹)، «ارزیابی آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در برابر زلزله نمونه موردی: شهر زنجان»، *فصلنامه مطالعات شهری و منطقه‌ای*، دانشگاه اصفهان، شماره ۷، ص ۹۰-۷۱.
- ۲- اوست، هویی زن (۱۳۷۷)، «اندریاس، مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی توسعه نواحی شهری»، ترجمه ناصر برک‌پور، *مجله معماری و شهرسازی*، شماره ۴۸ و ۴۹، ص ۹۵-۱۱۰.
- ۳- جباری حبیب (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۰، ص ۲۹۵-۲۸۰.
- ۴- سوم دی (۱۳۸۶)، «*روزنامه آفتاب*»، مصاحبه با امامی، مددی.
- ۵- عبدی دانش‌پور، زهره (۱۳۸۷)، «نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۶- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، «*الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*»، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- ۷- علیخواه فردین (۱۳۸۳)، «نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، موانع اجتماعی و فرهنگی»، *فصلنامه ایرانشهر*، شماره ۹ و ۱۰، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- ۸- قدسی‌پور، حسن (۱۳۸۷)، «*فرایند تحلیل سلسله‌مراتب AHP*»، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
- ۹- کلیتون، اندرو؛ اوکلی، پیتر و پرات، برایان، (۱۳۸۶)، «*توانمندسازی مردم*»، ترجمه پیروز ایزدی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۵۵.
- ۱۰- مددی، داوود؛ امامی، حسن (۱۳۸۶)، «*تسهیل‌گری ابزاری برای توانمندسازی منابع انسانی*»، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران.
- ۱۱- مهدیزاده جواد، راهبرد (۱۳۸۲)، «*توسعه شهری*»، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۱۲- مهندسان مشاور آرمانشهر (۱۳۸۶)، «*طرح راهبردی بافت فرسوده یزد*»، گزارشات مرحله اول.
- 13- Forster, J. (1999), "The Deliberative Practitioner (Encouraging Participatory Planning Processes)", The Mitpressus. A.

- 14- Saaty, T.L (1986), “Axiomatic Foundation of Analytical Hierarchy Process”, *Management Science*, Vd. 32, No7, July 1986.
- 15- Sannof, H. (2000), “*Community Participation Methods in Design and Planning*”, John wily & Sons, New York.
- 16- Ulengin, B. (2001), “Istanbul”, *European Journal of Operational Research*, 130 (2001), Www. World bank.ir.